

عطر گل یاس»

[وادی‌های شور، ۱۴]

«خاک

خاک دامن گیر شهر من
پخته و پرورده و بی‌آب
تشنه و بی‌تاب
گوییا حالا نمک‌گیر است

پس کی می‌شود سیراب؟»

[وادی‌های شور، ۳۳]

در نمونه‌هایی چند از سروده‌ها، تأثیر شعرم، امید و ایامداد را باید مورد دقت و تأمل قرار داد. گویا شاعر نیز ابایی از پوشاندن این تأثیر ندارد. در کنار آن، جنبهٔ روایی و توصیفی نیز برجسته شده. البته نمی‌توان فراموش کرد که تکیه و تأکید نسبت به زبان گفت‌وگو، راهی دیگر را پیش پای گوینده می‌نهد. در این لحظه‌هاست که می‌توان با کلمه‌هایش، بیش‌تر همراه شد و باریک‌اندیشی‌هایی را به دید آورد؛ لطافت‌هایی که از ذهن به زبان ممتد می‌شود. البته حاصل، گاه تغزل‌هایی است پُر نور:

«صبح، شوق زیارت

ظهر، نشئهٔ دیدار

شب، منتظر یار

باز به تکرار»

[وادی‌های شور، ۷۸]

«گفتم:

آموزگار من!

گفت: جانم

گفتم: عشق را معنی کن!

گفت: مهری

گفتم: وفا را

گفت: لیلی

گفتم: صبر را

گفت: شمس

گفتم: صفا را

گفت: اکبر

گفتم: من؟

گفت: عاشق می‌باش

چنان که می‌دانی»

[وادی‌های شور، ۱۲۴]

با این حال، مرور برخی شعرها، این احتمال را در ذهن می‌گسترده که شکل نخستین سروده‌ها کم‌تر در معرض تغییرها و تلاطم‌های زبانی بعدی قرار گرفته. از این رو، برخی سطرها که در توضیح سطرهای پیشین است، هم‌چنان حفظ شده‌اند. این‌گونه سطرها، ضرب‌آهنگ معنوی یا درونی شعر را کند می‌کند. یا مورد خدشه قرار می‌دهد. در حالی که صورت بیانی سروده‌ها، بی‌وجود این سطرها یا فراز و فرود آنها هم‌چنان کامل به نظر می‌آید.

در دفتر «وادی‌های شور»، گذر شاعر از تلقی پیرامونی نسبت به شعر تا تلقی انسانی و درونی از شعر، بسیار آشکار است. شاید بتوان گفت که از آن یک آغاز می‌کند و به این یک می‌رسد. توجه به زندگی، به تدریج پررنگ می‌شود، و امید به زندگی، آرزویی است که هرگز از کف نمی‌رود: زیستن‌هایی از دریچهٔ مهر و زیبایی. صورتی از بیان عطوفت شاعرانه که عشق و هستی را مهم‌ترین درون‌مایه‌های ذهنی برای اندیشیدن می‌پندارد:

«یاد چشمان تو

روشن

یاد لب‌های تو

شیرین

یاد سیمای تو

سبز

یاد اندام تو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



وادی‌های شور

احمد جلیلی

انتشارات روزبهان: چاپ اول، ۱۳۷۹

نکته دیگر آن که پیوستگی شاعر به زبان ادیبانه و فاخر (گاه) و نیز وزن شعر (اغلب)، در تعداد قابل توجهی از نمونه‌ها، خیال‌های شاعرانه را به مجموعه‌ای تنگ‌تر هدایت و معطوف می‌کند. سروده‌هایی که اگر یک‌سره به زبان شعر منثور درمی‌آمد، از تشکل درونی مناسب‌تری بهره می‌برد. آیا بدان سبب است که گوینده نتوانسته به اندازه کافی از شعرهای آغازینش فاصله گیرد؛ شعرهایی که به زمان خود نشر نیافته؟ نمی‌دانیم. اما می‌دانیم که از دو کفه حس شاعرانه و زبان شعری، کفه آن یک سنگین‌تر شده. از این موضوع، شاید نکته‌ای دیگر را بتوان مورد توجه قرار داد: در سروده‌های کوتاه‌تر، چه به لحاظ شکل شعر، ایجاز و تشکل ادبی، و چه به لحاظ معنویت کلمه‌ها، پیراستگی بیش‌تری نمود یافته. بازتاب‌هایی ذهنی و در خور نسبت به طبیعت و زیبایی، و گاه آمیخته به زمزمه‌هایی از سر شادمانی یا اندوه:

«در خیالی خام، پخته بودم

اندیشه‌ای روشن را

که شبی در وادی شور

از شرابی کهفته شیدایی کنیم

به وادی که رسیدیم

همه جا را غمی سنگین در خود گرفته بود

اما چون خورشید برآمد

غم بر جای مانده بود»

[وادی‌های شور، ۱۴۱]

«باید رها کنیم
این حالت معلق ویران را
یا روم روم
یا زنگ زنگ
از بوی گرگ و میش هوا خسته‌ایم
بالای عشق
خواهد شکست از وزش بادهای سخت
و اندوه این سراج ویران
خواهد فسرده بهار خوب خدا را

این سان

آوار می‌شود غم هستی

بر شاخه لطیف عشق

و صدای شکستن خواهد گسترده

خود را روی دره کوچک غمگین

که سال‌هاست در بستر سکوت نازنین خود

آرمیده است

از بوی گرگ و میش هوا خسته‌ایم ما»

[وادی‌های شور، ۱۸۴]

از گوینده «وادی‌های شور» در مجموعه‌ها و مجله‌های ادبی و فرهنگی دهه‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۳۰ قطعه‌های بسیاری نشر یافته. با این حال، دفتر حاضر، هم نخستین مجموعه از اوست، هم منتخبی است از شعرهایش در میانه سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۷۷؛ حضوری فروتنانه در کلام از یک طیبی - ادیب معاصر که دکتر احمد جلیلی (متولد ۱۳۲۲) باشد.

شعر جدید فارسی

ادامه صفحه ۴۹

آن (...) و از جمله معایب اینکه، کتاب نسبت به موضوع مختصر است.

هفت فصل کتاب با این عناوین تشکیل شده است: فصل اول: پیدایی، که شامل چگونگی پیدایش شعر جدید است. فصل دوم: شاعران، که شامل معرفی شاعران و تقسیم‌بندی آنهاست. فصل سوم: در مورد زبان و چگونگی وضعیت آن در این دوره است. فصل چهارم: بحور، که در مورد تاریخچه شعر و وزن و هجا و ... است. فصل پنجم و ششم به ترتیب در باب قوالب و مضامین شعری نگاشته شده و فصل هفتم: نتیجه، که در بردارنده نتایج و نظرات کلی نویسنده در مورد شعر جدید فارسی است. در این فصل نویسنده هشت مشخصه اصلی برای شعر جدید فارسی برمی‌شمارد که چهار نمونه آن به قرار زیر است: ۱- سبک مصنوعی و پرزرق و برق جای خود را به یک سبک طبیعی و ساده داده است. کلمات برای ادای معانی به کار می‌روند نه این که معنی فدای لفظ شود. ۲- در اشعار یک مشخصه به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد که شاعران فردیت بیشتری یافته‌اند. ۳- شعر جدید از نظر مضامینی که امروزه بیشتر مورد علاقه مردم است اصالت و تازگی قابل توجهی یافته است. ۴- همه گونه شعر وجود دارد: تعلقی، توصیفی، آموزشی، تاریخی، سیاسی، میهنی و عاشقانه. (ص ۲۰۰)

در پایان بعد از نتیجه‌گیری و اتمام فصول اصلی کتاب، کتابنامه، فهرست مطبوعات، واژه‌نامه و فهرست اعلام را می‌بینیم.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «شاعران جدید ایرانی، دیگر با مضامین محدود قراردادی شاعران کهن که قرن‌ها بدون طراوت و اصالت مشخصی مورد تقلید قرار گرفته‌اند، راضی نمی‌شوند. به عقیده آقاخان کرمانی تملق و چاپلوسی که در مطاوی قصاید مندرج بود، باعث شد که شاهان و بزرگان بی‌ارزش و متکبر پرایند. آموزش‌های صوفیانه بطالت و ولگردی را به ثمر آورد و طبیعت شهوانی غزل اخلاقیات جوانان ایرانی را فاسد و تپاه کرد. لذا شاعران ایرانی می‌کوشند تا از تصنع، بی‌صداقتی، تکرار مکررات و مبالغه‌رهای پابند، آنان به شدت علاقمند به مضامینی هستند که توسعه وضع اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورشان را تسریع کند.» (ص ۱۵۶)

شعر جدید فارسی در ۲۳۲ صفحه با قیمت ۱۲۰۰ تومان به چاپ رسیده است.